



Application of Child-Friendly City Indicators in Neighborhood Design to Address Segregation: A Case Study of West Sheikh Tusi Neighborhood, District 10, Isfahan Municipality

Seyyed Ahmad Hosseini-Nia¹, Nastaran Khosh-Abi²

1. PhD in Urban Planning, Senior Advisor to the Deputy of Planning and Human Capital Development, Isfahan Municipality
2. Masters in Urban Design, Lecturer at Shahid Ashrafi Esfahani University, (Corresponding Author)

Received: 2024/03/12

Accepted: 2024/05/17

Research Paper

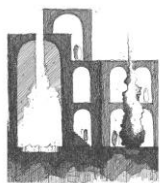
Abstract

One of the key issues raised by the concept of a Child-Friendly City is the provision of children's rights and recognizing their place within the city. The concept emphasizes that children, as both current and future citizens, have the right to access all urban amenities and services and to grow in a safe and sustainable environment. However, one of the significant challenges in this regard is the issue of segregation, which has been exacerbated by various urbanization trends. Segregation refers to the separation and distinction of different social, cultural, and economic groups within urban spaces. Today, this issue has been increasingly influenced by factors such as spatial and environmental poverty, as well as ethnic, racial, religious, economic, and cultural differences. These influences have led to the creation of neighborhoods with minimal diversity and social interaction. Such conditions are particularly harmful to children, who require diverse and dynamic environments for their growth and learning. The present study aims to apply the indicators of a Child-Friendly City in neighborhood design to mitigate segregation, focusing on the Sheikh Toosi Gharbi neighborhood in District 10 of Isfahan Municipality. The research seeks to design urban spaces that are socially and culturally diverse and inclusive, thereby contributing to the reduction of segregation. To achieve this goal, the concepts of a Child-Friendly City and segregation were first examined, and the key indicators related to them were identified. These indicators were then analyzed within a theoretical framework to determine their interconnections and interactions. The research method combines both quantitative and qualitative approaches. In this context, Z-score, Moran's I, and Hotspot Analysis were employed to analyze and assess three variables: education, health, and unemployment at the regional and neighborhood levels. This study demonstrates that applying Child-Friendly City indicators in the design of urban neighborhoods can effectively reduce segregation and enhance social cohesion. This approach not only improves the quality of life for children but also benefits the entire urban community.

Keywords: Child Friendly City, Segregation, Neighborhood, Sheikh Tusi, Isfahan.

* Corresponding author's Email: nastaran.khoshabii@gmail.com





کاربست شاخص‌های شهر دوستدار کودک در طراحی محله به‌منظور رفع جدایی‌گزینی (نمونه مورد مطالعه: محله شیخ طوسی غربی منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان)

سیداحمد حسینی‌نیا^۱، نسترن خوش‌آبی^۲

۱. دکترای شهرسازی، مشاور عالی معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری اصفهان.

۲. کارشناسی ارشد طراحی شهری، مدرس دانشگاه شهیدشرفی اصفهانی، (نویسنده مسئول).

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸

چکیده

یکی از مسائل مهمی که توسط مفهوم «شهر دوستدار کودک» مطرح می‌شود، تأمین حقوق کودکان و شناخت جایگاه آنان در شهر است. مفهوم شهر دوستدار کودک، تأکید دارد که کودکان نیز به‌عنوان شهروندان امروز و آینده، حق دارند از تمامی امکانات و خدمات شهری بهره‌مند شوند و در محیطی امن و پایدار رشد کنند. با این حال، یکی از چالش‌های مهم در این زمینه، مسئله جدایی‌گزینی است که با روندهای مختلف شهری شدن تشدید شده است. جدایی‌گزینی به معنای تفکیک و تمایز گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در فضاهای شهری است. این مسئله، امروزه تحت تأثیر عواملی مانند فقر فضایی و محیطی، تفاوت‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی، بیش‌ازپیش بر شهرها تأثیر گذاشته و منجر به ایجاد محله‌هایی با کمترین تنوع و تعامل اجتماعی شده است. این شرایط، به‌ویژه برای کودکان که نیازمند محیط‌های متنوع و پویا برای رشد و یادگیری هستند، زیان‌بار است. پژوهش حاضر، باهدف بررسی کاربری شاخص‌های شهر دوستدار کودک در طراحی محله‌ها به‌منظور رفع جدایی‌گزینی، در محله شیخ طوسی غربی منطقه ده شهرداری اصفهان انجام شده است. این پژوهش به دنبال این است که با استفاده از شاخص‌های شهر دوستدار کودک، فضایی شهری طراحی شود که از نظر اجتماعی و فرهنگی متنوع و فراگیر باشد و به‌این‌ترتیب به کاهش جدایی‌گزینی کمک کند. برای دستیابی به این هدف، ابتدا مفاهیم شهر دوستدار کودک و جدایی‌گزینی موردبررسی قرار گرفته و شاخص‌های کلیدی مرتبط با آن‌ها استخراج شده است. سپس، این شاخص‌ها در قالب یک چارچوب نظری مورد تحلیل قرار گرفته تا ارتباط و تعامل میان آن‌ها مشخص شود. روش پژوهش، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. در این راستا، از نمره Z، شاخص موران و تحلیل هات‌اسپات برای تحلیل و بررسی سه متغیر آموزشی، بهداشت و بیکاری در سطح منطقه و محله استفاده شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از شاخص‌های شهر دوستدار کودک در طراحی محله‌های شهری می‌تواند به‌طور مؤثری به کاهش جدایی‌گزینی و افزایش انسجام اجتماعی کمک کند. این امر نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی کودکان بلکه به‌کل جامعه شهری نیز کمک خواهد کرد.

کلمات کلیدی: شهر دوستدار کودک، جدایی‌گزینی، محله، شیخ طوسی، اصفهان.

* نویسنده مسئول: nastaran.khoshabii@gmail.com





مقدمه

امروزه با پیشرفت فناوری و رشد شهرنشینی، جایگاه کودکان در شهرها به‌طور چشمگیری محدود شده و ایمنی و امنیت آنان نیز به‌مرورزمان دچار افول شده است. در این میان، مفهوم «شهر دوستدار کودک» به‌عنوان یک ابتکار مهم، به‌منظور ارتقای جایگاه و نقش کودکان در فضاهای شهری شکل گرفته است. این ابتکار با دو رویکرد اصلی محیط مینا و حقوق مینا، به تعریف و بازآفرینی جایگاه کودک در شهر می‌پردازد و تلاش می‌کند تا محیطی امن، سازنده و پر از امکانات برای کودکان فراهم آورد. در همین راستا، مسئله جدایی‌گزینی در شهرها که به‌واسطه فقر محیطی و انزوای اجتماعی به وجود می‌آید، تأثیرات عمیقی بر همه شهرنشینان، به‌ویژه کودکان، دارد. این جدایی‌گزینی می‌تواند ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد و اغلب با مفاهیمی چون کیفیت محیطی و حقوق شهروندی گره‌خورده است. به‌عبارت‌دیگر، جدایی‌گزینی نه‌تنها کودکان را از امکانات و فرصت‌های رشد و پیشرفت محروم می‌سازد، بلکه آنان را در معرض خطرات جسمی و روانی نیز قرار می‌دهد. در سال ۱۹۷۶، کوین لینچ^۱ طی مصاحبه‌ای عنوان کرد، یکی از موضوعات مهم در شهر دوستدار کودک، نوع محیطی است که به افراد کمک می‌کند تا به انسان‌های کاملی تبدیل شوند و بتوانند استعدادهای درونی خود را کشف کرده و از آن استفاده کنند. لینچ به دنبال آن بود که کودکان را قادر سازد تا تجربیات خود را از شهرهایشان مستند کنند و سپس توصیه‌های خود را برای فضاهای شهری بهتر به شوراهای شهر و سازمان‌های برنامه‌ریزی ارائه کنند. تصویب قانون حقوق کودک توسط سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ شرایط مساعدتری را برای فعالیت شهر دوستدار کودک ایجاد کرد و یونسکو را تشویق کرد تا این برنامه را در ۸ کشور در سال ۱۹۹۶ احیا کند. این برنامه همچنان به‌عنوان الگویی برای برنامه‌ریزی مشارکتی و طراحی شهری با کودکان عمل می‌کند (Chawla, 2001, 9-13).

شهر دوستدار کودک، به‌عنوان بخشی از گفتمان فراگیر که برای همه‌ی گروه‌های شهروندان از هر طبقه و جنسیتی و با هر سنی فرصت‌های برابر برای زیست خلاق و انسانی را فراهم می‌کند و همه‌ی آحاد جامعه به‌طور عادلانه به انواع خدمات موردنیاز خود دسترسی باکیفیت و راحت دارند، آرمانی است که تمامی جوامع انسان‌گرا به دنبال تحقق اصول و الزامات آن در شهرها و اجتماعات کوچک و بزرگ خود هستند (شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۴۰۰، ۴).

بر اساس بررسی‌ها و تحقیقات انجام‌شده، منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان یکی از مناطق محروم این شهر محسوب می‌شود که از لحاظ توسعه و دسترسی به امکانات، در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. این منطقه با مشکلات متعدد اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی-آموزشی، کالبدی-زیست محیطی، زیربنایی-مسکونی و شاخص‌های دسترسی مواجه است. در شهر اصفهان، در میان مناطق پانزده‌گانه شهرداری، به ترتیب مناطق شش و پنج، از نظر توسعه‌یافتگی، برخوردارترین مناطق شهر بوده و دارای اختلاف محسوسی با دیگر نواحی شهر هستند (با امتیاز توسعه ۰/۷۴۳ و ۰/۷۴۱) در منطقه‌ی ۱۰ اصفهان، بیش از مناطق دیگر محرومیت و کمبود امکانات وجود دارد (با امتیاز توسعه ۰/۰۸۷) (آنامرادنژاد و دیگران، ۱۳۹۲، ۱)؛ یکی از محلات خاص این منطقه، محله شیخ طوسی غربی است که به‌عنوان یکی از نقاط بحرانی از نظر جدایی‌گزینی شناخته می‌شود. با توجه به اهمیت ویژه کودکان در جامعه و نقش حیاتی آنان در شکل‌گیری فضای شهری، توجه به تأثیرات جدایی‌گزینی بر این قشر و تلاش برای کاهش این تأثیرات، امری ضروری است. محرومیت منطقه ۱۰ اصفهان و به‌ویژه محله شیخ طوسی غربی، نیازمند اقداماتی جدی

¹ Kevin Andrew Lynch



در راستای کاهش جدایی‌گزینی و بهبود وضعیت کودکان است. در این راستا، به‌کارگیری شاخص‌های شهر دوستدار کودک در این محله می‌تواند راه‌حلی مؤثر برای ایجاد زیست سالم و بهبود کیفیت زندگی کودکان در این منطقه باشد.

در این پژوهش، تلاش می‌شود تا با تبیین مسائل و عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی در محله شیخ طوسی اصفهان و بررسی شاخص‌های شهر دوستدار کودک، راهکارهایی عملی برای کاهش جدایی‌گزینی و ارتقای کیفیت زندگی کودکان در این محله ارائه شود. این راهکارها می‌تواند شامل ایجاد فضاهای عمومی امن و جذاب برای کودکان، ارتقای خدمات آموزشی و فرهنگی، بهبود زیرساخت‌های شهری و افزایش مشارکت اجتماعی کودکان و خانواده‌هایشان در تصمیم‌گیری‌های محلی باشد. هدف نهایی این پژوهش، دستیابی به شهری است که کودکان در آن احساس امنیت، شادی و مشارکت داشته باشند و بتوانند به‌عنوان شهروندانی فعال و خلاق در آن رشد کنند.

پیشینه تحقیق

شهر دوستدار کودک

شهر دوستدار کودک به‌نوعی از شهر گفته می‌شود که کودکان در مرکز توجه آن قرار داشته و بستر شهر را از منظر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی برای کودکان آماده و به مناسب‌سازی و مطلوب سازی آن می‌پردازد تا کودکان نیز، مانند دیگر اقشار جامعه بتوانند، در شهر زندگی کنند و رشد و ارتقاء ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و فرهنگی آنان فراهم آید. کینگستون و همکاران وی، معیارهای شهر دوستدار کودک را، در ۹ دسته‌بندی عنوان می‌کنند:

۱) محیط‌های فیزیکی که به نیازها و نگرانی‌های خاص کودکان پاسخ می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، مناطق عبور امن در مسیر مدرسه. فضاهای بازی امن، توالت‌هایی که مناسب کودکان هستند، بخش‌هایی از بیمارستان‌ها، مدارس، سیستم‌های حمل‌ونقل، مدیریت ترافیک، پارک‌ها، فضای مشترک، تأمین آب، حذف زباله و مواردی از این دست که به شهرها کمک می‌کند تا بیشتر دوستدار کودک باشند.

۲) اطلاعات، ارتباطات و بسیج اجتماعی، برای ترویج مفهوم شهر دوستدار کودک و افزایش آگاهی در مورد نیازهای کودکان با توجه به محیط فیزیکی.

۳) روش‌هایی برای مشارکت دادن کودکان در ارزیابی و بهبود محله‌های خود و اهمیت به نظر آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی.

۴) برنامه‌های عملی به همراه و یا بدون مشارکت کودکان، باهدف بهبود محیط فیزیکی کودکان.

۵) تهیه بسته‌های آموزشی و روش‌شناسی برای گروه‌های هدف مختلف (تصمیم‌گیرندگان، برنامه‌ریزان، معلمان مدرسه، والدین، کودکان و غیره) باهدف تمرکز بر بهبود محیط فیزیکی کودکان.

۶) قوانین، دستورالعمل‌ها، مقررات و هنجارهای برنامه‌ریزی که نیازها و دیدگاه‌های کودکان را در نظر می‌گیرند.

۷) تمرکز نهادهای چند سطحی در شهرداری‌ها (یک واحد ویژه کودکان با حضور یک شخص در شهرداری، برای رسیدگی به امور کودکان).

۸) سیستم‌های نظارتی برای ارزیابی کیفیت محیط برای کودکان.

۹) برنامه‌ریزی و شاخص‌های تأثیر که هدف آن‌ها برای ارزیابی اقدامات شهرداری یا جامعه، بر کودکان است (Kingston et al., 2007, 4). اهمیت به کودکان و نیازهایشان، باید به میزان اهمیت دیگر شهروندان جامعه باشد؛ چراکه آن‌ها در مرحله‌ای از رشد و تکامل خود هستند که همه‌چیز را از محیط اطراف خود می‌آموزند. توسعه شهر



نیز، تحت سلطه ادراکات بزرگسالان است و نیازهای کودکان، تنها با این ادراکات و تصمیمات بزرگسالان، برآورده شده است. شهرها نقش مهمی در رشد کودکان دارند. شهرها می‌توانند نیازهای کودکان را به فضای باز، مانند پارک‌ها، فضای سبز، محیط طبیعی و دیگر فضاهای باز مرتفع کنند. فضاهای باز، فواید زیادی برای کودکان دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به کاهش احتمال ابتلا به بیماری‌ها، افزایش خلاقیت و افزایش توانایی‌های جسمانی کودکان اشاره کرده. محیط طبیعی که در یک فضای باز نمایش داده‌کاو، مزایایی برای رشد کودکان دارد؛ مانند رشد شناختی، رشد جسمی/حرکتی، رشد اجتماعی، رشد عاطفی و رشد معنوی (McAllister, 2008, 47) (شکل ۱).



شکل ۱: شاخص‌های کلیدی شهر دوستدار کودک، (نگارندگان)

جدایی‌گزینی

عدالت اجتماعی یک مفهوم هنجاری است که به‌گفتهٔ هاروی، از نیاز، شایستگی و کمک به خیر عمومی ناشی می‌شود. با تفسیر شهرنشینی عادلانه از طریق تعاریف هاروی از عدالت، استدلال می‌شود که گروه‌های جمعیتی آسیب‌پذیر با نیازهای بیشتر، باید به بخش‌هایی از شبکه شهری دسترسی داشته که ظرفیت حضور مشترک اقشار مختلف مردم را داشته (Shamskooski, 2021, 105-106). جیکوبز^۱، در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، اشاره می‌کند که در برخی موارد، راه‌ها و شبکه‌های دسترسی، موجب جدا افتادگی و ایزوله شدن مناطق می‌شود و به‌طور کلی، موانع فیزیکی را عاملی برای تفاوت شرایط اقتصادی و اجتماعی می‌داند و عنوان می‌کند که این موانع، همچنین در برقراری ارتباطات، حضور عابران پیاده مؤثرند. از این‌رو، جیکوبز با ساخت بزرگراه‌ها و مواردی از این دست، مخالف است. جیکوبز معتقد است که مهم‌ترین عامل جدایی‌گزینی، درآمد است و تأثیرات تحمیلی درآمد را موجب پدیده‌هایی چون جدایی‌گزینی می‌داند (Jacob, 1961, 346-348). در سال ۱۹۸۹، هاوارد^۲ جنبش باغ شهر خود را با تمرکز بر ایجاد شهر جدید در نواحی بیرونی شهر، به‌جای بازسازی نواحی درون‌شهری عرضه داشت. باغ شهر هدف تقویت آزادی و منفعت شخصی در کنار همکاری و برابری را دنبال می‌کرد و از این‌رو، شبیه سایر اصلاحات آنارشیستی بود (O'Sullivan, 2016, 164-166). لوفور^۳ معتقد است، مسائل حاشیه‌نشینی یا منطقه‌ای سازی، بسیار

¹ Jane Jacobs

² Howard

³ Henri Lefebvre



مهم است. جدایی‌گزینی و تبعیض، نباید عاملی برای دور کردن مردم از شهر باشد. این مسائل، یا بر اساس اختصاص دادن فضای بیش‌ازحد برای ثروتمندان و بسیار کم برای فقرا، یا به دلیل توسعه ناهموار در کیفیت مکان، یا در واقع هردو به وجود می‌آیند (Elden, 2004, 149-151). بکر^۱ در سال ۱۹۷۱، یک نظری کلاسیک را در مورد چگونگی بی‌بازاری از تماس بین نژادی - که به‌عنوان طعم تبعیض از آن یاد می‌شود، مطرح می‌کند. آزمایش‌های مطالعات جامعه‌شناختی، جدایی‌گزینی را در موقعیت‌های تماس اجتماعی اختیاری، با گزارش یا مشاهده، اندازه‌گیری و ارزیابی کرده‌اند (Blank et al., 2004, 56-57). طبق نظریه قطبش اجتماعی، یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها در مورد شهرهای معاصر، افزایش نابرابری‌های فضایی-اجتماعی داخلی در چندین دهه اخیر در آن‌ها است. فرآیندهای جهانی‌شدن در دهه‌های گذشته با افزایش نابرابری اجتماعی و قطبی‌شدن، همراه بوده است و بسیاری از محققان مدعی شدند که این فرآیندها به تشدید تقسیمات فضایی در شهرها تبدیل شده است (Modai-Snir & van Ham, 2018, 108). اقتصاد سیاسی فضایی منشأ خود را در اقتصاد سیاسی اسمیت در دوران روشنگری اسکاتلندی در اواسط قرن هجدهم، به‌ویژه رساله او در مورد ثروت ملل، پیدا می‌کند (Banerjee & Loukaitou-Sideris, 2011, 87). دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، به علل پیدایش سکونتگاه‌های مختلف می‌پردازد و سعی بر آن دارد تا مسائل موجود را ریشه‌یابی نماید. به‌عبارت‌دیگر، کشف الگوهای فضایی در فرآیند تولید، توزیع، مصرف و نقش دولت و گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل‌دهی به این الگوها هدف دیدگاه اقتصاد سیاسی فضاست (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱).

نظری‌ها و شیوه‌های موجود در مورد شهر دوستدار کودک (CFC)^۲

الف) رویکردهای محیط‌مبنا: نتایج پژوهش‌های بریتانیا و ایالات‌متحده آمریکا در دهه ۱۹۷۰ نشان‌دهنده آن است که کودکان باید کاربران فعالی در حوزه محیط زندگی خود باشند. این ایده‌ها به پیدایش زمینه جدیدی از فعالیت‌های حرفه‌ای به‌وسیله معماران و برنامه‌ریزان منجر گردید. آن‌ها بر این نکته تأکید کردند که کودکان و جوانان باید از راه طراحی مشارکتی، محیط‌هایی نظیر مدارس، پارک‌ها و سایر فضاهای عمومی را خلق کنند. در اواخر دهه ۱۹۹۰، نتایج موج جدیدی از پژوهش‌ها در خصوص کودکان اروپایی پیشنهاد داد که یک محیط دوستدار کودک، محیطی است که به میزان بالایی تحرک مستقل کودکان امکان می‌دهد و فرصت‌های بسیاری برای کودکان، جهت تعامل با عناصر گوناگون، مشخصه‌ها، مکان‌ها، زمینه‌ها و مردم در محیط روزمره آن‌ها فراهم می‌سازد. رویکرد محیط‌مبنا بر محیط‌های اجتماعی و فیزیکی کودکان متمرکز می‌شود. این رویکرد، تمرکز بر محیط فیزیکی و اجتماعی کودکان را در برمی‌گیرد. این کار در کشورهای هلند و کانادا انجام شده است. رویکرد مبتنی بر محیط، بر جنبه‌هایی از محیطی که کودکان در آن رشد می‌کنند تمرکز دارد که می‌تواند تأثیر مثبتی بر زندگی آن‌ها داشته‌باشد. دو شهر در خط مقدم رویکرد مبتنی بر محیط قرار دارند؛ یعنی روتردام (هلند) و واترلو (کانادا) (NIUA, 2016, 50-56).

ب) رویکرد مبتنی بر حقوق: تمرکز بر حقوق کودک (مانند برنامه‌های یونیسف و CFCI)^۳ برای تشویق دولت‌های محلی برای تصمیم‌گیری به نفع کودکان و ترویج حقوق کودکان برای داشتن محیطی سالم، محافظ، آموزشی، محرک، فراگیر و غنی است. جنبش مبتنی بر حقوق، در شهرهای دوستدار کودک بر برنامه شهرهای دوستدار کودک سازمان ملل متمرکز شده است. این جنبش، محرک اصلی فعالیت‌های مربوط به حقوق کودک و مشارکت کودک در سراسر مناطق جغرافیایی، اهداف مرتبط با محیط‌زیست کودکان و جنبش‌های حقوق کودکان بوده است. جنبش مبتنی بر حقوق، ریشه

¹ Gary Stanley Becke

² Chlorofluorocarbons

³ certified Financial Crimes Investigator



در دهه ۱۹۲۰ دارد، زمانی که جامعه ملل بیانیه‌های حقوق کودکان پیشنهاد شده توسط اتحاد بین‌المللی، محافظت کودکان را تصویب کرد. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ که به کودکان حق مراقبت و کمک ویژه می‌داد، این جنبش را تقویت کرد. در سال ۱۹۸۹، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک (CR)^۱ در حقوق بین‌الملل، حق کودکان را برای بیان نظرات خود و شنیدن نظرات آن‌ها در همه مواردی که به آن‌ها مربوط می‌شود، ایجاد کرد. پس از کنوانسیون ۱۹۸۹، اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ حقوق مشارکت کودکان را به حوزه محیط‌های زندگی (و کار) گسترش داد و دستور کار ۲۱ را معرفی کرد. اجلاس سران شهرها در سال ۱۹۹۶ با دستور کار زیستگاه‌ها برگزار شد و اذعان کرد که کودکان و جوانان یک گروه ذینفع کلیدی برای توسعه پایدار شهری هستند. از اواخر دهه ۱۹۸۰، رویه‌ای متمایز، تلاش کرد تا درس‌هایی را از تعاملات و تجربیات کودکان به حوزه برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌گذاری وارد کند. طرح شهرهای دوستدار کودک در سال ۱۹۹۶ در کنار طرح‌هایی، مانند رشد در شهرها (یونسکو) و شهرهای امن^۲ راه‌اندازی شد. در سال ۲۰۰۰، یک دبیرخانه CFC^۳ ایجاد شد تا به‌عنوان یک نقطه کانونی و ارائه مرجع مشترک برای CFCI در سراسر جهان باشد. CFCI چهارچوبی برای اقدام ایجاد کرده است که می‌تواند شهرها و جوامع را در فرآیند دوستدار کودکشان، راهنمایی کند (NIUA, 2016, 50-56).

جدول ۱: شهرهای دوستدار کودک با تمرکز بر رویکرد محیطی، (نگارندگان)

شهر واترلو: CFC و برنامه‌ریزی شهری	شهر روتردام: مدل برنامه‌ریزی شهری برای CFC	مدل بولربای: تحرک و هزینه‌های مناسب برای کودکان	چهارچوب هورلی: دوستی با محیط‌زیست برای کودکان
- ایمنی - دسترسی - فضای سبز	- مسکن دوستدار کودک - فضای عمومی - امکانات - مسیرهای تردد ایمن	- امکان تحرک مستقل برای کودکان - فرصت‌هایی برای به فعلیت رساندن امکانات زیست‌محیطی	- مسکن و محل زندگی - خدمات اولیه - مشارکت - ایمنی و امنیت - خانواده، خویشاوندان، همسالان و جامعه - کیفیت شهری و محیطی - تهیه و توزیع منابع - بوم‌شناسی - احساس تعلق و تداوم - حکمرانی خوب

تیلور در سال ۲۰۰۶، ظهور جنبش عدالت محیطی را با اعتراض شهروندان هم‌زمان می‌داند. هنگامی که رهبران کهنه‌کار حقوق مدنی و مدافعان عدالت اجتماعی به تلاش‌های بسیج محلی پیوستند، اعتراضات محلی و مردمی مورد توجه ملی قرار گرفت (Taylor, 2006, 30). تیلور^۳، عدالت زیست‌محیطی را این‌گونه تعریف می‌کند: عدالت زیست‌محیطی به رفتار منصفانه و مشارکت معنادار همه مردم (بدون توجه به نژاد، قومیت، درآمد، منشأ ملی یا سطح تحصیلات) در توسعه، اجرا و اعمال قوانین، مقررات و سیاست‌های زیست‌محیطی مربوط می‌شود. همان‌طور

¹ Child Right

² UN-Habitat

³ Taylor



که توسط EPA^۱ تعریف شده است، رفتار عادلانه به این معنی است که هیچ جمعیتی، به دلیل سیاست‌گذاری یا ناتوانی اقتصادی، مجبور به تحمل بار نامتناسبی از تأثیرات منفی بر سلامت انسان نیست. این اثرات شامل آلودگی هوا و آب و سایر پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از عملیات صنعتی، شهری و تجاری یا اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های فدرال، ایالتی، محلی و قبیله‌ای است (Taylor, 2006, 31). در برخی موارد، «محیط‌گرایی، عدالت اجتماعی» نامیده می‌شود و با ایده «پایداری عادلانه» پیوند دارد. عدالت زیست‌محیطی برخاسته از جنبش حقوق مدنی ایالات متحده، برای اولین بار در دهه ۱۹۸۰ به شهرت رسید. این جنبش در مقیاس همسایگی و جامعه، زمانی آغاز شد که گروه‌هایی از آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، بومیان آمریکا، لاتین و دیگر رنگین‌پوستان به تمرکز نامتناسب کاربری‌های ناخواسته زمین در اطراف خانه‌ها، محل کار، مدارس، مکان‌های خرید و مناطق تفریحی اعتراض کردند (Byrne, 2010). ایجاد نابرابری از طریق دسترسی محدود به مسکن مناسب، مراقبت‌های بهداشتی، امنیت غذایی، اشتغال و آموزش در موضوع نابرابری محیطی بسیار حائز اهمیت است (Heiman, 1996, 116). در سال ۱۹۸۹، کنوانسیون حقوق کودک^۲، توسط سازمان ملل متحد تصویب شد و به امضای ۱۵۰ کشور عضو سازمان رسید. کشورهای عضو این تعهدنامه، هریک مسئول حفاظت، احترام، تحقق و ارتقای حقوق همه کودکان با توجه به این اصول راهنما هستند:

الف) عدم تبعیض (ماده ۲): به این معنا که کنوانسیون برای همه کودکان اعمال می‌شود، فارغ از نژاد، مذهب، نوع خانواده و میزان توانایی و نوع تفکر. اینکه کودکان در کجا زندگی می‌کنند، با چه زبانی صحبت می‌کنند، شغل والدین آن‌ها چیست، جنسیت پسر یا دختر دارند، فرهنگ آن‌ها چگونه است، جسم سالم یا معلول دارند، فقیر یا ثروتمند هستند، مهم نیست و باید با همه کودکان، عادلانه برخورد شود. ب) برترین علایق کودکان (ماده ۳): در تصمیم‌گیری‌هایی که ممکن است بر زندگی کودکان تأثیر بگذارد، موضوع اصلی باید برترین علایق کودکان باشد. بزرگسالان، باید همگی بهترین کار ممکن را برای کودکان انجام دهند. بزرگسالان باید در تصمیم‌گیری، در مورد تأثیر آن بر کودکان تفکر کنند. این مورد، به‌خصوص در مورد بودجه، سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها کاربرد دارد. ج) حق حیات، بقا و توسعه (ماده ۶): کودکان نیز حق حیات دارند. دولت‌ها باید رشد سالم و تکامل کودکان را تضمین کنند. د) احترام به نظرات کودکان (ماده ۱۲): آنگاه که تصمیم بزرگسالان بر زندگی کودکان تأثیرگذار است، کودکان حق ابراز نظر، برای اتفاق افتادن یا اتفاق نیفتادن امور را دارند و باید به نظرات آن‌ها نیز توجه شود؛ اما این موضوع به معنای این نیست که کودکان می‌توانند به بزرگسالان بگویند که چه کاری باید انجام دهند؛ بلکه بی‌معنای تشویق بزرگسالان به شنیدن نظرات کودکان و شرکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری است (Sutama, 2015, 26). هگل^۳ نقطه آغاز نظریاتش این بود که دولت را منبع عدالت می‌داند که باید با توزیع عادلانه ثروت و دارایی‌های جامعه، راه رسیدن به عدالت را هموار کند، مهم‌ترین روش عادلانه کردن جامعه: تقسیم برابر، توزیع بر اساس میزان نیازمندی افراد و تقسیم بر اساس میزان کار و تولید که با نظریه مارکس^۴ جان گرفت. میل^۵ اصطلاح عدالت اجتماعی به معنای امروزی را برای نخستین بار به‌کاربرده است؛ عدالت توزیعی به این معناست که جامعه باید با کسانی که شایستگی‌های یکسانی دارند، به‌طور برابر رفتار کند. لینچ^۶ عدالت یکی از معیارهای کیفیت زندگی است و بر مبنای آن، هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می‌شود، «از هرکسی طبق امکانات وی و به هرکسی حسب نیازهایش».

¹ Environmental Protection Agency

² The United Nations Convention on the Rights of the Child

³ Georg Wilhelm Friedrich Hegel

⁴ Karl Heinrich Marx

⁵ John Stuart Mill

⁶ Kevin Andrew Lynch



عدالت بر چیزهایی تأکید دارد که به‌عنوان حداقل نیازمندی‌های اساسی تلقی می‌شود؛ از جمله برابری در سرزندگی، بایستی روی گروه‌های محروم تأکید شود.

روش تحقیق

در قالب تحلیل کمی، نتایج حاصل از هر بخش گزارش شده است. روش انجام تحلیل‌ها نیز به این صورت است که ابتدا با توجه به جامعه آماری و فرمول کوکران، نمونه آماری ۳۷۰ نفری به‌دست آمده و سپس پرسش‌نامه‌ای تنظیم و توسط ۳۷۰ نفر از ساکنین محله شیخ طوسی غربی شهرداری منطقه ده اصفهان، تکمیل گردید؛ پس از آن نتایج به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار (SPSS)^۱ و آزمون همبستگی، آزمون میانگین و آمار توصیفی تحلیل گردیدند؛ همچنین برای بررسی جدایی‌گزینی در منطقه ده شهرداری اصفهان و محله شیخ طوسی غربی، از تحلیل هات‌اسپات^۲، شاخص Z و شاخص موران^۳ با کمک نرم‌افزار GIS^۴، استفاده گردید. برای بررسی میزان جدایی‌گزینی منطقه ۱۰، متغیرهای آموزشی، بهداشت و بیکاری، مورد بررسی و داده‌های موجود این متغیرها با استفاده از نمره Z، شاخص موران و تحلیل هات‌اسپات مورد تحلیل قرار گرفتند.

نمونه مطالعاتی: اصفهان، محله (شیخ طوسی)

محدود شهرداری اصفهان به ۱۵ منطقه شهری تقسیم می‌شود. منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با جمعیت حدود ۲۰۶۰۰۰ نفر دومین منطقه پرجمعیت شهر اصفهان است. اگر سطح برخورداری مناطق شهری اصفهان را به ترتیب برخوردار، نسبتاً برخوردار و محروم دسته‌بندی کنیم، این منطقه از لحاظ شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی-آموزشی، کالبدی-زیست محیطی، زیربنایی-مسکونی و شاخص‌های دسترسی، جزء مناطق محروم است (بردی-آنامرادنژاد و دیگران ۱۳۹۲)؛ با توجه به موارد گفته شده در مبانی نظری، استناد به آرای اندیشمندان و تشریح مفاهیم، ابعاد و شاخص‌های مربوط به شهر دوستدار کودک و جدایی‌گزینی استخراج شدند که گزارش آن در (جدول ۲) آمده است.

کالوس^۵ سیر تاریخی نظریه محله را به چهار مرحله تفکیک می‌کند: ۱- محله به‌عنوان بستری برای برقراری روابط با سایر کارکنان. ۲- محله به‌عنوان واحد خودکفایی (از نظر اداری و مدیریتی) یک شهر. ۳- محله به‌عنوان راهکاری برای ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان. ۴- محله به‌عنوان شاکله هویتی و معنا بخشی به مکان‌های شهری. خیابان شیخ طوسی غربی یا ۲۴ متری اول در منطقه ۱۰ اصفهان واقع شده است و مکان‌های مهمی، مانند شهرداری منطقه ۱۰ در آن واقع شده‌اند. خیابان شیخ طوسی غربی به معابر مهمی مانند پروین اعتصامی، اوحدی، شیخ طوسی شرقی و همچنین آیت‌الله میرزاعلی شیرازی متصل گردیده است (شهرداری اصفهان ۱۴۰۰). با استناد به موارد گفته شده در مبانی نظری، آرای اندیشمندان و رویکردهای مطرح شده توسط یونیسف، ابعاد و شاخص‌هایی برای شهر دوستدار کودک و جدایی‌گزینی استخراج گردید و با توجه به تبیین شهر دوستدار کودک توسط یونیسف که آن را بر اساس دو رویکرد محیط مبنا و حقوق مبنا تحلیل می‌نماید؛ همچنین ارتباط مستقیم مفهوم جدایی‌گزینی با کیفیت محیطی و حقوق شهروندی، این دو مفهوم نیز تعریف و شاخص‌های آنان استخراج شدند؛ سپس ارتباط شهر

¹ Statistical Package for Social Sciences

² Hot Spot

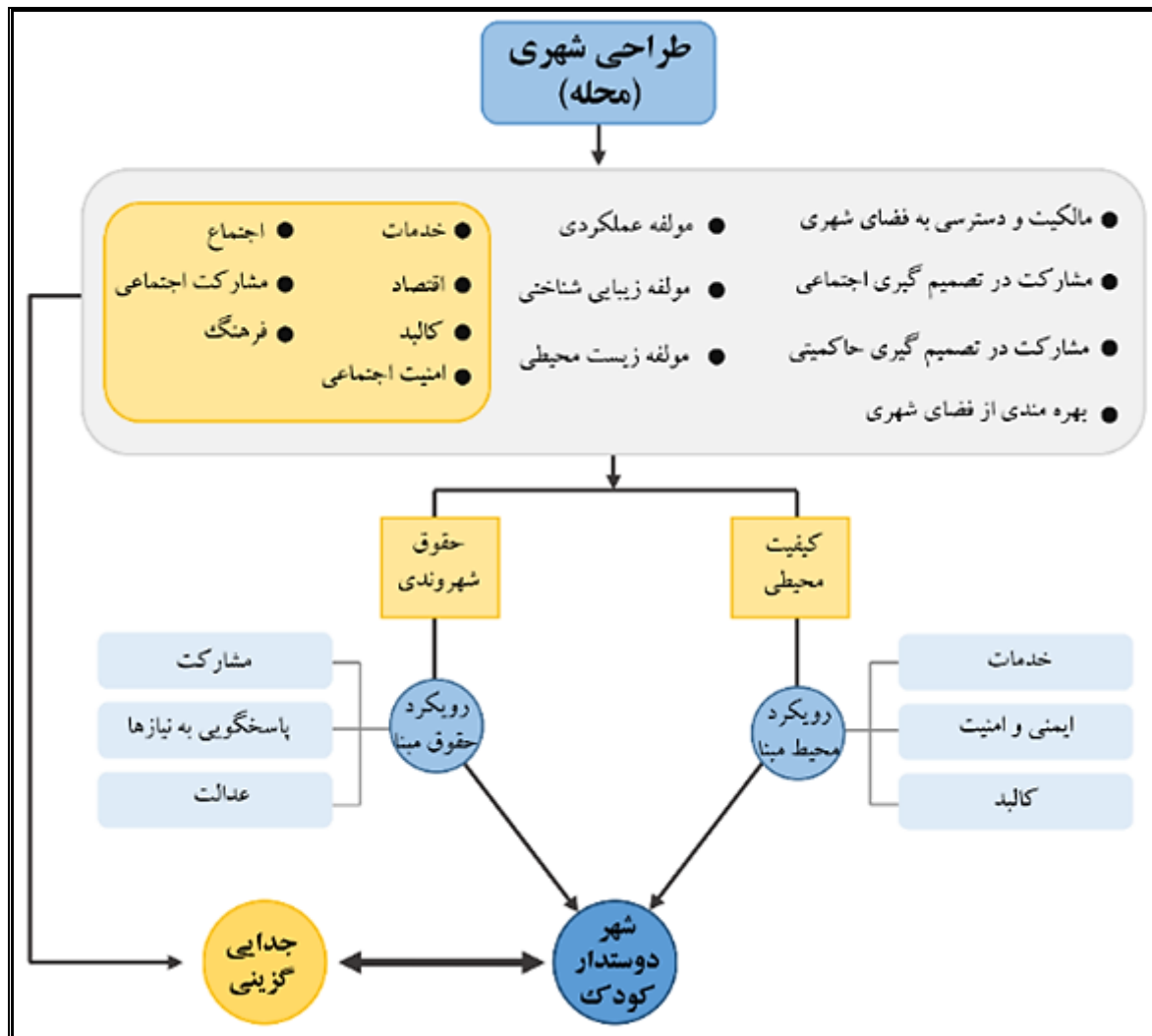
³ Moran

⁴ Geographic information system

⁵ Kallus



دوستدار کودک با کیفیت محیطی و حقوق شهروندی و ارتباط جدایی‌گزینی با کیفیت محیطی و حقوق شهروندی، هر کدام به صورت جداگانه بررسی و در نهایت نتیجه گرفته شد که شهر دوستدار کودک و جدایی‌گزینی، به وسیله دو مفهوم کیفیت محیطی و حقوق شهروندی، با یکدیگر پیوند و ارتباط دارند؛ (شکل ۲) نیز خلاصه‌ای از این ارتباط و تعامل را نمایش می‌دهد:



شکل ۲: چهارچوب نظری پژوهش، (نگارندگان)

متغیر آموزشی

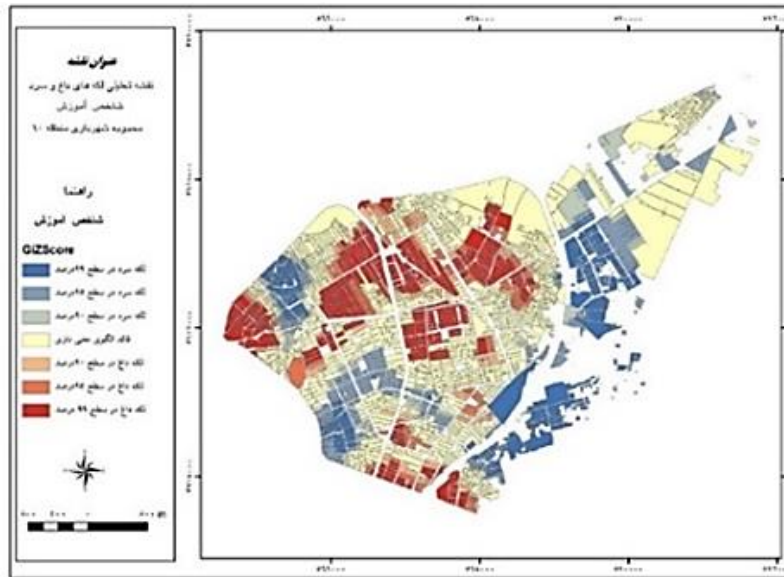
متغیر آموزشی، نحوه‌ی دسترسی شهروندان به مراکز آموزشی شامل دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها را مشخص می‌نماید. نمره‌ی Z این متغیر برابر با $۴۵/۶۱۷۴۸۱$ به دست آمده است. تحلیل‌های اسپات، به‌طور واضح مشخص می‌کند که در منطقه‌ی ۱۰ شهرداری اصفهان، دسترسی شهروندان به مراکز آموزشی، در مرکز، غرب و جنوب مناسب و در شرق و قسمت‌هایی از شمال این منطقه، این دسترسی نامناسب و شکاف بین این مناطق، نمایان است؛ بنابراین پهنه‌های دارای ارزش بالاتر از شاخص موران در مرکز، غرب و جنوب و پهنه‌های دارای ارزش کمتر از شاخص موران در شرق و قسمت‌هایی از شمال قرار گرفته‌اند. تحلیل‌ها نشان‌دهنده‌ی آن است که دسترسی شهروندان به خدمات آموزشی،



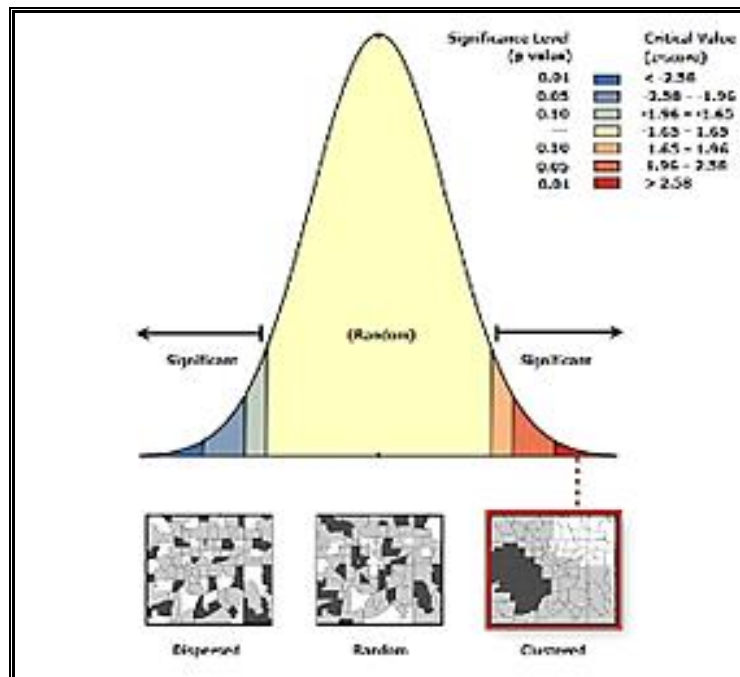
خوشه‌ای بوده و توزیع آن‌ها ناعادلانه است. همچنین در محله‌ی شیخ طوسی، دسترسی به مراکز آموزشی در جنوب شرقی مناسب و در شمال شرقی نامناسب و در غرب این محله بسیار نامناسب است (جدول ۳، شکل ۳ و ۴).

جدول ۳: داده‌های استخراج‌شده از تحلیل متغیر آموزشی، (نگارندگان)

p-value	z-score	Variance	Expected Index	Moran's Index
۰/۰۰۰۰۰۰	۴۵/۶۱۷۴۸۱	۰/۰۰۰۰۸۸	-۰/۰۰۰۷۱۱	۰/۴۲۷۰۲۳



شکل ۳: تحلیل هات اسپات متغیر آموزشی، (نگارندگان)



شکل ۴: تحلیل متغیر آموزشی، (نگارندگان)

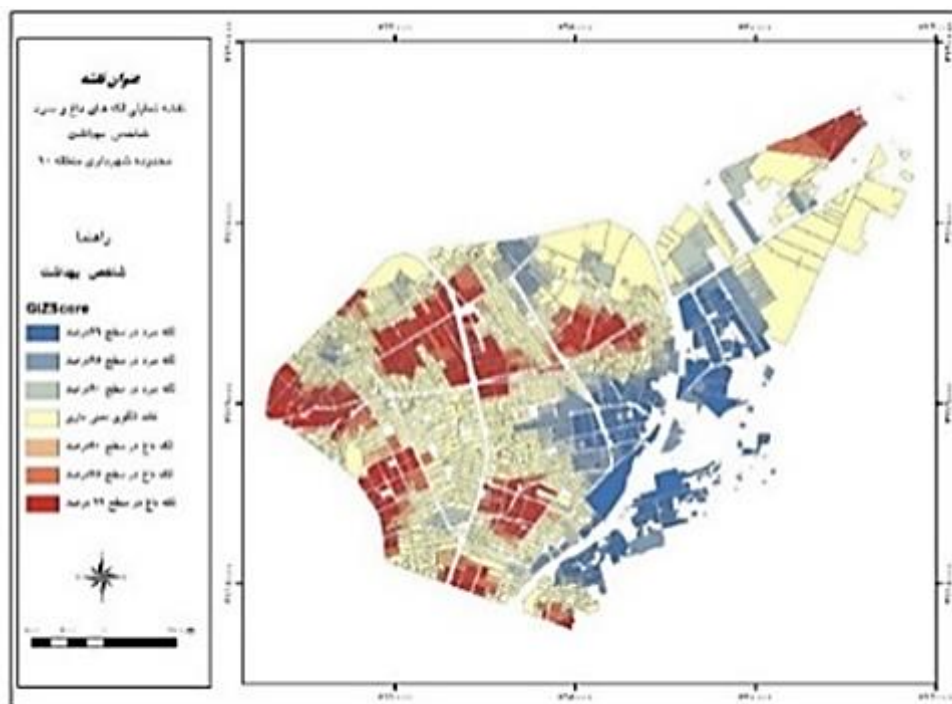


متغیر بهداشت

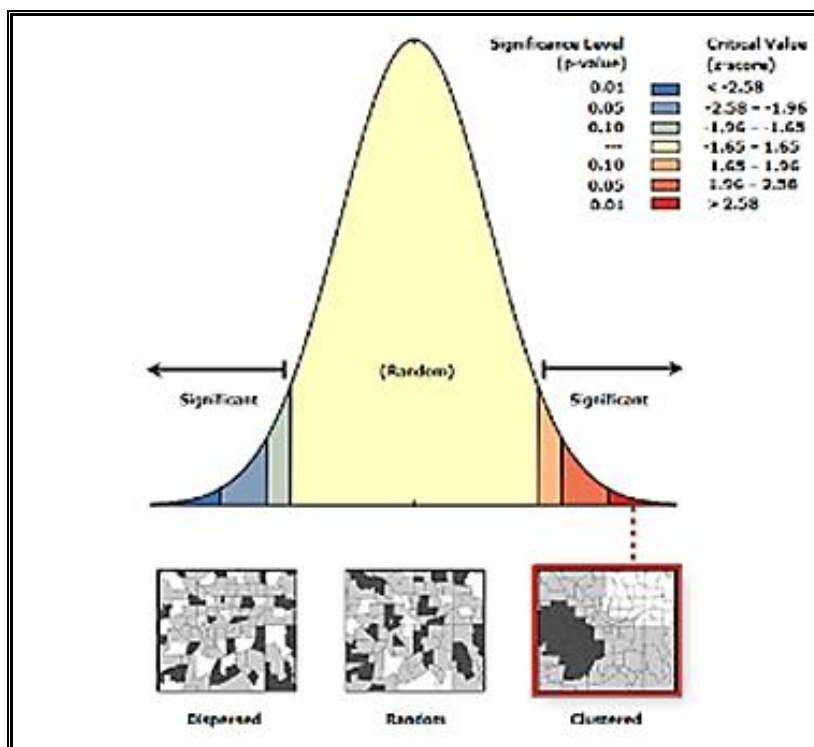
نحوه‌ی دسترسی شهروندان به مراکز بهداشتی، شامل بیمارستان، مراکز بهداشت، درمانگاه‌ها و داروخانه، نمره‌ی Z برابر با ۴۲/۹۱۷۰۱۲ مشخص گردید؛ بنابراین، توزیع فضایی این خدمات در منطقه‌ی ۱۰ شهرداری اصفهان، خوشه‌ای است. تحلیل‌های اسپات، مشخص می‌کند که در پهنه‌هایی از مرکز، غرب، جنوب و نیز نقاطی از شرق، شهروندان دسترسی مناسبی به مراکز بهداشتی داشته و در شرق و جنوب شرقی و نیز شمال منطقه، دسترسی شهروندان به این مراکز نامناسب است. پس با توجه به شاخص موران، پهنه‌های دارای ارزش بالاتر از این شاخص مرکز، غرب، جنوب و نقاطی از شرق و پهنه‌های دارای ارزش پایین‌تر از این شاخص در شرق، جنوب شرقی و شمال قرار دارند. تحلیل‌ها نشان‌دهنده‌ی آن است که دسترسی شهروندان به خدمات بهداشتی، خوشه‌ای بوده و توزیع عادلانه‌ای ندارند. همچنین در محله‌ی شیخ طوسی، در جنوب شرقی و نقاطی از شمال محله، این دسترسی مناسب و در دیگر نقاط نامناسب گزارش شده است (جدول ۴، شکل ۵ و ۶).

جدول ۴: داده‌های استخراج‌شده از تحلیل متغیر بهداشت، (نگارندگان)

p-value	z-score	Variance	Expected Index	Moran's Index
۰/۰۰۰۰۰۰	۴۲/۹۱۷۰۱۲	۰/۰۰۰۰۸۷	-۰/۰۰۰۷۱۱	۰/۴۰۰۲۴۴



شکل ۵: تحلیل‌های اسپات متغیر بهداشت، (نگارندگان)



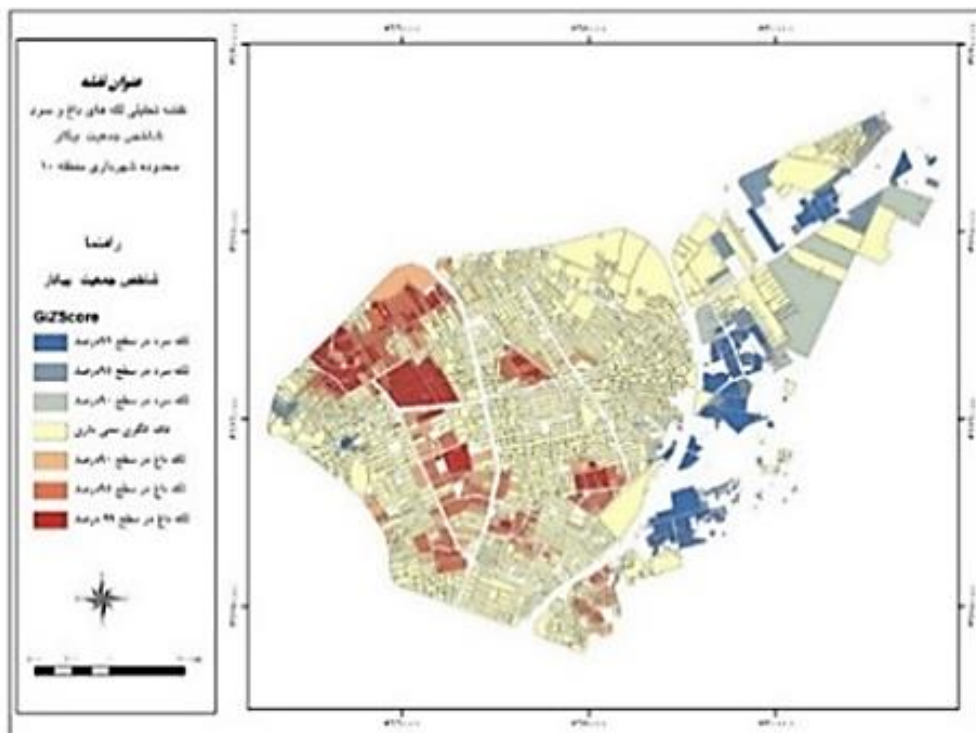
شکل ۶: تحلیل متغیر بهداشت، (نگارندگان)

متغیر بیکاری

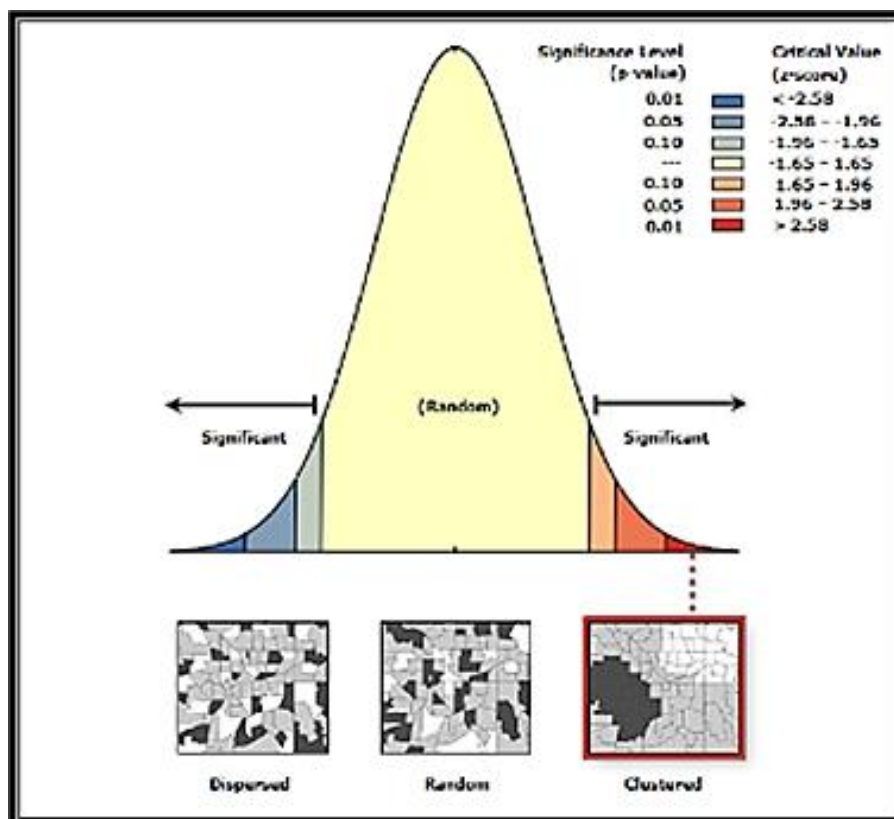
این متغیر، جمعیت بیکار در سطح منطقه‌ی ۱۰ شهرداری اصفهان را مشخص می‌نماید. نمره‌ی Z برای این شاخص، برابر با ۱۱/۹۴۲۰۴۲ به دست آمده است. همچنین تحلیل هات اسپات، به طور واضح مشخص می‌نماید که جمعیت بیکار در شمال غربی و پهنه‌هایی از مرکز این منطقه بیشتر و در شرق تا آن جمعیت کمتر است و با توجه به شاخص موران، محله‌های دارای ارزش بالاتر از این شاخص در شمال غربی و مرکز بوده و جمعیت بیکار در این مناطق بیشتر و محله‌های دارای ارزش پایین‌تر از این شاخص در شرق تا مرکز واقع شده‌اند که به معنای جمعیت بیکار کمتر است. تحلیل‌های صورت گرفته، حاکی از آن است که توزیع جمعیت بیکار در این منطقه، خوشه‌ای است. همچنین تحلیل هات اسپات در محله‌ی شیخ طوسی که مدنظر این مطالعه است، نمایان می‌کند که بیکاری در اکثر نقاط این محله وجود دارد (جدول ۵، شکل ۷ و ۸).

جدول ۵: داده‌های استخراج شده از تحلیل متغیر جمعیت بیکار، (نگارندگان)

p-value	z-score	Variance	Expected Index	Moran's Index
۰/۰۰۰۰۰۰	۱۱/۹۴۲۰۴۲	۰/۰۰۰۰۸۸	-۰/۰۰۰۷۱۱	۰/۱۱۱۵۵۳



شکل ۷: تحلیل هات‌اسپات متغیر جمعیت بیکار، (نگارندگان)



شکل ۸: تحلیل متغیر جمعیت بیکار، (نگارندگان)



بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل‌شده از پژوهش انجام‌شده، این است که ابعاد و شاخص‌های مربوط به شهر دوستدار کودک در محله شیخ طوسی، در کمترین حالت ممکن و ابعاد و شاخص‌های مربوط به جدایی‌گزینی، پررنگ هستند؛ همچنین از تحلیل‌های هات‌اسپات و شاخص Z و شاخص موران، نتایجی حاصل می‌شود. متغیر آموزشی، نحوه دسترسی شهروندان به مراکز آموزشی شامل دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها را مشخص می‌نماید. نمره Z این متغیر برابر با $۴۵/۶۱۷۴۸۱$ به‌دست‌آمده است. تحلیل هات‌اسپات، به‌طور واضح مشخص می‌کند که در منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان، دسترسی شهروندان به مراکز آموزشی، در مرکز، غرب و جنوب مناسب و در شرق و قسمت‌هایی از شمال این منطقه، این دسترسی نامناسب و شکاف بین این مناطق، نمایان است. نحوه دسترسی شهروندان به مراکز بهداشتی، شامل بیمارستان، مراکز بهداشت، درمانگاه‌ها و داروخانه، نمره Z ، برابر با $۴۲/۹۱۷۰۱۲$ مشخص گردید؛ بنابراین، توزیع فضایی این خدمات در منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان، خوشه‌ای است. تحلیل هات‌اسپات، مشخص می‌کند که در پهنه‌هایی از مرکز، غرب، جنوب و نیز نقاطی از شرق، شهروندان دسترسی مناسبی به مراکز بهداشتی داشته و در شرق و جنوب شرقی و نیز شمال منطقه، دسترسی شهروندان به این مراکز نامناسب است. نمره Z برای متغیر جمعیت بیکار، برابر با $۱۱/۹۴۲۰۴۲$ به‌دست‌آمده است؛ همچنین تحلیل هات‌اسپات، به‌طور واضح مشخص می‌نماید که جمعیت بیکار در شمال غربی و پهنه‌هایی از مرکز این منطقه بیشتر و در شرق تا مرکز آن جمعیت کمتر است؛ لذا این نتیجه حاصل می‌شود که در محله شیخ طوسی غربی، کاربری‌های آموزشی و بهداشتی دچار کمبود و میزان بیکاری شهروندان در آن زیاد است؛ از این‌روی، نتیجه‌گیری می‌شود که محله شیخ طوسی غربی در ابعاد بررسی‌شده دوستدار کودک نیست و طبق شاخص‌های مطرح‌شده مواردی که سبب جدایی‌گزینی کودکان می‌شوند، در این محله وجود دارد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشرو، پیشنهاد می‌شود از شاخص‌های شهر دوستدار کودک در طراحی محله به‌منظور رفع جدایی‌گزینی استفاده گردد؛ همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از نمره Z ، شاخص موران و تحلیل هات‌اسپات برای کاربری‌های آموزشی و بهداشتی، به بهبود دسترسی شهروندان و به میزان مطلوب رساندن سطوح و سرانه موردنیاز این کاربری‌ها پرداخته شود و نیز میزان جمعیت بیکار این محله موردتوجه قرار گیرد.

منابع و مآخذ

بردی آنامراندزاد، رحیم؛ رورده، همت‌الله؛ و احمدی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۲). تحلیل وضعیت توسعه پایدار در مناطق شهری کلان‌شهرها (نمونه موردی: کلان‌شهر اصفهان). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری (۲): ۷۱-۹۴.

زیاری، کرامت‌اله؛ فاطمه، سالاروندیان؛ علی، قنبری نسب؛ و لیلا، حبیبی. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل تطبیقی تفاوت‌های سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز (موارد مطالعه شهرک بهار، مهدی‌آباد، سهل‌آباد). فصلنامه آمایش محیط. ۲۱ (۶)، ۳۹-۶۴.

شورای عالی شهرسازی و معماری. (۱۴۰۰). سند پشتیبان الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک. تهران: وزارت راه و شهرسازی.

شهرداری اصفهان. (۱۴۰۰). آمارنامه شهر اصفهان ۱۳۹۹. اصفهان: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی، اداره آمار و تحلیل اطلاعات.

- Banerjee, T. and A. Loukaitou-Sideris. (2011). Companion to Urban Design. London & New York: Routledge.
- Byrne, J. (2010). Environmental justice, In: B. Warf, ed. Encyclopedia of geography. 449 thousand Oaks. CA: SAGE Reference Online: 960-966.
- Elden, S. (2004). Understanding Henri Lefebvre Theory and the Possible. London: continuum studies in philosophy.
- Chawla, L. 2001. "Evaluating Children's Participation: Seeking Areas of Consensus, PLA Notes." London: International Institute for Environment and Development.



- Heiman, M. (1996). Race, waste, and class: New perspectives on environmental justice. *Antipode*, 28 (2), 111-121.
- Jacobs, J., (1961). *The Death And Life Of great American Cities*. New York: Random House.
- McAllister, C. (2008). Child Friendly Cities and Land Use Planning: Implications for children's health. *Environments Journal*, 35(3),46-6.
- NIUA. (2014). *Indicators for Child friendly Local Development (I - CHILD)*. Delhi: Lodhi Road.
- Kingston, B. P., Chawla, L., van Vliet, W., Mla, and L. B. (2007). Creating Child-Friendly Cities: The Case of Denver, Children. Youth and Environments Center for Research and Design, University of Colorado at Denver and Health Sciences Center, 160(2),97-102. <http://dx.doi.org/10.1680/muen.2007.160.2.97>.
- O'Sullivan, K. (2016). The First Garden City's Economic Function Transcribed From Theory To Practice. *Berkeley Planning Journal*, 28 (1), 164-175.
- Shamskooski, H. (2021). *The Perception Of Socio-Spatial Segregation The Interaction of Physical and Social Urban Space Study case of Tehran Neighborhoods*. Tehran University, Tehran, PhD diss.
- Sutama, I. M. (2015). *Realizing child's right through child friendly city initiative in Indonesia*. Airlangga-Surabaya Unive, Indonesia, PhD diss.
- Taylor, W. C., Poston, L. J., and Kraft. M.K. (2006). Environmental justice: obesity, physical activity, and healthy eating. *Journal of Physical Activity and Health*, 3(1),30-54. <http://dx.doi.org/10.1123/jpah.3.s1.s30>
- V.Ham, M. and T. Modai-Snir. (2018). Neighborhood change and spatial polarization: The roles of increasing inequality and divergent urban development, *Cities. Regional Studies*, 54(12), 1668-1679. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2018.05.009>.
-